

بررسی معنای اجتناب در قرآن

الهه عرب زاده^۱

چکیده

اگرچه واژه اجتناب یازده بار در قرآن به کار رفته است اما از دوجنبه اهمیت دارد یکی به دلیل آنکه بهترین خوبان عالم را دربرمی گیرد و دیگر به لحاظ شمولیت معنایی. چرا که خداوند صراحتاً آن را برای «من یشاء» از بندگان قرار می دهد. همان طور که می دانیم، این واژه عموماً در معانی ای چون برگزیدن و جمع آوری معنا شده است. اما هر یک از این معانی، اگرچه در برخی مصادیق انطباق دارد، در برخی موارد دیگر دچار اشکال است. مثلاً در بررسی ماجرای حضرت آدم (ع) و یونس (ع): به خوبی درمی یابیم اجتناب نمی تواند منصبی اعطایی از جانب خداوند باشد آن هم پس از عصیان و غضب یونس (ع)، بلکه به معنای «بازنمودن مسیری در زمانی که همه راه ها بسته است»، به کار رفته است. به این معنا که خداوند همه شرایط را درست آنجا که انتظار نمی رود با قدرت برای شخص فراهم می کند و مسیر رشد او را گاه بوسیله توبه و به سوی هدایت و گاه صالحیت باز می نماید. در این نوشتار ابتدا آراء قدما نقل شده و آنگاه به تنزیه معنای این واژه پرداخته شده است، در ادامه بانگاهی به معنای جدید در آیات مربوطه، «سیر مجتوبین در زمان» و نیز «ثمرات اجتناب» به همراه «جدول درجات معنای اجتناب» آورده شده است.

کلیدواژه ها: اجتناب، مجتوبین، معناشناسی، تنزیه معنا، معنا مشترک.

۱- طرح مسئله

اجتناب یکی از واژه هایی است که گاه به دلیل جانشینی و هم نشینی معنایی با واژه های

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور.

مجاور مانند اختیار و اصطافی ترجمه شده است. در حالی که اگر این دو واژه به یک معنا بودند خداوند متعال از دو واژه استفاده نمی‌کرد و اساساً نمی‌توان این واژه را با معنای واژه‌های مجاور و محتمل، معنا نمود. در هر صورت تاکنون معنای این واژه به طور دقیق مشخص نشده است. این واژه از دو جهت اهمیت دارد یکی آن که شامل بهترین خوبان از ابتدای خلقت چون؛ آدم(ع)، نوح(ع)، موسی(ع) و عیسی(ع) شده است و از سوی دیگر خداوند راه اجتناب را برای همهی مؤمنین و هر که را که بخواهد باز گذاشته است؛ «اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ» (شوری، ۱۳)، یعنی به لحاظ شمولیت می‌تواند بسیاری از انسانها را در برگیرد. نکته جالب توجه اینکه خداوند در مسیر سیر رشد معنوی انبیاء از این واژه نام برده است. گویا مقدمه‌ای برای توبه و هدایت، اصطافی و نیز صالحیت است. این واژه معمولاً در زبان فارسی به «برگزیدن» معنا می‌شود؛ اما بدیهی است در زبان عرب، خاصه در لسان قرآن نکاتی که بخاطر آنها واژه‌ها لحاظ شده متفاوت است. «اصطفاء» از «صفو» است، یعنی صاف و زلال چیزی را گرفتن، تصفیه کردن است در حالی که، «اختیار» هم از ماده «خیر» است، یعنی چیزی را به عنوان خیر برگزیدن است.

آنچه اهمیت دارد این است که در ترجمه واژه مورد نظر باید به دو نکته اساسی توجه داشت. یکی اینکه معنای پیشنهادی، در شأن آیه و کلمه مورد نظر باشد و برای تمام آیاتی که در آن قرار دارد منطقی باشد. در حالیکه در ترجمه‌های قرآن، به عنوان نمونه اجتناب با معنای فعلی در همه جای قرآن در برگزیدن پیامبران به کار رفته است مگر آیه ۲۰۳ سوره اعراف «و اذا لم تأتهم آية قالوا لولا اجبتبها...». یعنی: نگاه که آیه‌ای نیاوردی می‌گویند چرا آنها را جمع نکردی؛ و برای توجیه این آیه گفته‌اند: منظور کفار این بود که حضرت آیه‌ها را خودش می‌آورد و مربوط به خدا نیست لذا می‌گفتند چرا آیه‌ها را جمع و جور نکردی و نیاوردی؟ (حسینی تهرانی، ۸۷) همان‌طور که خواهیم دید، علما سعی در پیدا کردن معنای این واژه و جمع میان معانی گفته شده دارند.

بررسی معنای اجتناب در قرآن ۱۲۳

برخی معتقدند با توجه به اینکه خداوند به زبان عربی و برای هدایت قوم عرب سخن گفته است، نمی‌بایست از استعمال کلماتی نظیر «حنیف» ابهامی در ذهن شنوندگان زمان حضرت رسول(ص) به وجود آمده باشد. (زریاب، ۸۰) در مقابل آرتور جفری بیان می‌کند که حضرت محمد(ص) احساس می‌کرده شنوندگان وی برای دریافت معنای درست برخی واژه‌ها نیاز به توضیح و تبیین دارند. (جعفری، ۱۸۲) با این وصف، بررسی معانی دقیق واژه‌ها در اصطلاح زبان قرآن اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند.

۲- نگاهی به آراء متقدمان در معنای اجتناب

راغب «اجتناب» را از ماده «جبی» دانسته و جبیتُ الماء فی الحوض یعنی آب را در حوض جمع کردم و به همین مناسبت حوض را که مجمع آب است جایبه می‌نامند و اجتناب نوعی جمع است مانند اصطفاء چنانچه فرمود: «و إذا لم تأتِهم بآية قالوا لولا اجتنابها» (الاعراف، ۲۰۳) یعنی می‌گویند: که تو خود این آیات را جمع کرده‌ای، و اینها از خدا نیست. و اینکه خداوند عبد را اجتناب کند یعنی تنها او را به فیض الهی خاص گرداند و بر او بدون سعی و تلاش خود بنده، انواع نعمات جاری می‌شود و البته این اجتناب از آن انبیاء و بعضی از صدیقین و شهدای همراه و نزدیک انبیاء است، چنانچه خداوند فرمود: «واجتنبناهم و هدیناهم الی صراط مستقیم» (الانعام، ۸۷) و همین ماده را به طور استعاره در جمع‌آوری مالیات استعمال نموده، این عمل را «جباية الخراج» می‌نامند، و به همین معنای استعاری در آیه «يُجَبَىٰ إِلَيْهِ نَمْرَاتٌ كُلُّ شَيْءٍ» آمده است. و این مقامی است که خداوند متعال به انبیاء: و مقربان درگاهش «صدیقان و شهدا» می‌دهد. (راغب، ۸۷-۸۹)

آلوسی بغدادی گوید: «المجتبی کانه فی الاصل من جمعت فيه المحاسن حتی اختاره غیره و قریه» با توجه به آن که ریشه اجتناب از «جبی» است که به معنی جمع است مجتبی کسی است که خوبیها در او جمع شده تا دیگری او را برگزیده و نزدیک به خود ساخته

است. آن گاه می‌گوید: «اجتباء» به همان معنای جمع کردن است، ولیکن نه هر جمع کردن بلکه برگزیدن و انتخاب کردن، و به این معنا است جمله «فَاجْتَبَاهُ رَبُّهُ» و اجتباء و برگزیدن خدا یک بنده را به این است که او را به فیض الهی خود اختصاص داده در نتیجه انواع نعمت‌ها خود به خود و بدون زحمت به سویس سرازیر گردد، و این موهبت مخصوص انبیاء و بعضی از صدیقین و شهداء که هم‌رتبه انبیاءند می‌باشد. این کلمه در چند جای قرآن آمده از آن جمله فرموده: «وَكَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ» (یوسف، ۵)، یعنی: و این چنین پروردگارت ترا برمی‌گزیند.

ابن منظور می‌نویسد: «در حدیثی از ابوهریره آمده، کیف أنتم اذا لم تجتبوا دیناراً و لا درهماً، و اجتباء، جبايه‌ای است که به باب افتعال برده شده و به معنای استخراج اموال است». (همو، ۱/۳۷۳)

الاجتباء من جَبَّيْتُ الشَّيْءَ، إِذَا خَلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ اجْتَبَاءً، یعنی جدا کردن چیزی از بین اشیاء و جمع نمودن آن از این جا و آن جا و به خود اختصاص دادن آن به طوری که به خودتان اختصاص دهید، مال خودتان باشد و شریکی برای شما نسبت به آن نباشد در کلمات آن‌ها در این باره خیلی عبارت لطیفی آمده است. (طوسی، ۹۸/۶، قرطبی، ۱۲۸/۹، ابن جوزی، ۵۵۳؛ رازی، ۸۹/۱۸؛ ابن‌منظور، ۱۳۲/۱۴؛ زبیدی، ۲۶۷/۱۹)

آیت الله جوادی آملی می‌نویسد: خداوند هر کسی را که خود بخواهد برمی‌گزیند، الله یجتبی الیه من یشاء و یهدی الیه من ینیب «جبايه» یعنی برچیدن و جمع‌آوری کردن نخبه‌ها. (جوادی آملی، ۶/۲۴۵)

با وجود آنچه در کتب لغت نوشته‌اند که غالباً اقتباس از یکدیگر است، برخی علما سعی در جمع کردن میان معنای لغوی و کاربردی دارند که در عین حال با سیاق آیات هم تناسب داشته باشد. صاحب رساله لب اللباب پس از مطالعه دیدگاه علامه در المیزان می‌گوید: «گفتنی است که من تفسیر المیزان را ترویج نمی‌کنم و در بسته و سر بسته آن را اهل فن باید بیان بکنند، اما این تفسیر ظرایف و دقایقی دارد، مثلاً در عبارت «اجتباء الله

بررسی معنای اجتناب در قرآن ۱۲۵

سبحانه» دو جا با هم تفاوتی دارد، شاید اگر دقت شود، عبارات ایشان با هم تهاؤت داشته باشد». (همو، ۸۳)

۳- دو معنا از علامه طباطبایی برای واژه اجتناب

الف) علامه طباطبایی معتقد است: «اجتناب به معنای جمع کردن است، ولیکن نه هر جمع کردنی؛ بلکه برگزیدن و انتخاب کردن. و به این معناست جمله «فاجتنب ربه» و اجتناب و برگزیدن خدا یک بنده را به این است که او را به فیض الهی خود اختصاص داده و در نتیجه انواع نعمات خودبه خود و بدون زحمت به سویش سرازیر می‌گردد. که این موهبت مخصوص انبیاء و بعضی از صدیقین و شهداء، که هم رتبه انبیاء اند می‌باشد». (طباطبائی، ۳۴۲/۷)

او ثمرات «اجتناب» را مسیر خدایی شدن می‌داند «اگر خداوند متعال بنده‌ای را اجتناب کرد، همه شئون او خدایی می‌شود؛ یعنی تمام حرکات، سیره، سکون، نطق، فعل و ترک او به اراده خداوند متعال خواهد بود». (طباطبائی، ۷۹/۱۱) عرفا معتقدند تمام ابعاد وجود این شخص برای خداوند متعال است و در اختیار اوست و در این وجود چیزی برای غیر خدا نیست؛ بلکه تمام حرکاتش حرکات خدایی و همه افعال و تروکش الاهی است. (حسینی تهرانی، ۸۳) حال این سؤال مطرح می‌شود که اگر اجتناب را مقام بدانیم و آنهم تا این درجه پس جایگاه مراحل دیگری را که خداوند در قرآن معرفی می‌کند چگونه خواهد بود؟

ب) علامه طباطبایی در جای دیگر می‌نویسد: «اجتناب الله الإنسان، هو إخلاصه لنفسه و جمعه من التفرق فی المذاهب المختلفة. این که خدای تعالی انسان را «اجتناب» می‌کند؛ یعنی وی را برای خود خالص گردانده و او را از تفرق و پراکندگی در مذاهبها و راه‌های مختلف جمع کرده و به یک راه وی را هدایت می‌کند». (طباطبائی، ۳۶۸/۱۲) آنگاه عبارت راغب اصفهانی را هم در تفسیر سوره انعام نقل می‌کند و تعلیقه‌ای بر آن می‌نویسد و

می‌گوید: «و الَّذِي ذَكَرَهُ مِنْ مَعْنَى «الاجْتِبَاءِ» وَ إِنَّ كَانِ كَذَلِكَ عَلِيٌّ مَا يَفِيدُهُ مَوَارِدُ وَقُوعِهِ فِي كَلَامِهِ تَعَالَى، لَكِنَّهُ لَازِمُ الْمَعْنَى الْأَصْلِيِّ، بِحَسَبِ انْطِبَاقِهِ عَلَيَّ صِنْعِهِ فِيهِمْ، يَعْنِي: وَ أَنْ كَسَى كَمَا مَعْنَى اجْتِبَاءٍ رَا بَرَكْزِيدِنِ انْتِخَابِ كَرْدِهْ اسْت، اَكْرَجِهْ از مَوَارِدِ اسْتِعْمَالِشِ اَيْنِ چنين اسْتفاده مي‌شود، وليكن معنای اصلی لغت نیست؛ بلکه لازم آن معناست و معنای اصلی آن همان جمع‌آوری است». (همو، ۷/ ۲۴۷)

آن‌گاه علامه می‌افزاید: «وَالَّذِي يُعْطِيهِ سِيَاقُ الْآيَاتِ أَنَّ الْعِنَايَةَ تَعَلَّقَتْ بِمَعْنَى الْكَلِمَةِ الْأَصْلِيِّ وَهُوَ الْجَمْعُ مِنْ مَوَاضِعٍ وَأَمْكِنَةَ مَخْتَلِفَةً مُتَشَتِّتَةً فَيَكُونُ تَمْهِيداً لِمَا يَذْكَرُ بَعْدَهُ مِنَ الْهُدَايَةِ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ، كَأَنَّهُ يَقُولُ: وَجَمَعْنَاهُمْ عَلَيَّ تَفَرَّقَهُمْ حَتَّى إِذَا اجْتَمَعُوا وَانْضَمَّ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ هَدَيْنَاهُمْ جَمِيعاً إِلَى صِرَاطٍ كَذَا وَكَذَا» (طباطبائی، ۲۴۷) او سیاق را شاهد گرفته و منظور از جمع کردن را جمع کردن انبیاء از مواضع و مکان‌های مختلف و متشتت برای بیان هدایت به صراط مستقیم می‌داند گویی فرموده است: «ما تمامی انبیا را که در طول تاریخ متفرق بوده و هر یک در زمانی می‌زیسته‌اند جمع کردیم و در یک جا و با ضمیمه کردن یکی به دیگری و با عنایت خود، به سوی راه راست هدایت کردیم». کوتاه سخن این که خداوند متعال ائمه اطهار (ع) را هم چون انبیاء (ع) برای خودش ساخته و این‌ها را برای خودش اختصاص داده است و به گونه‌ای این‌ها را ساخته که برای آن هدایت خاصی که خودش برای این مراتب از عبادش قرار داده، آماده کرده است». (همانجا)

اصرار علمای لغت برای معنای اجتناب به جمع‌آوری سه احتمال را پیش روی مفسران می‌گشاید؛ جمع کردن خوبها در یک نفر، جمع کردن همه سلسله انبیاء (ع) بر صراط‌المستقیم، مردم را به دور آنها جمع کردن و نوعی اقبال به سمت آنها. که معنی اخیر از ثمرات آن خلوص نبی برای خداست. یعنی از تفرق رهایی‌بخش. اما کدام تفرق و کدام گزیدن و کدام جمع‌آوری؟! آیا در میان چهار راه معانی، مسیری را که به صواب نزدیک‌تر است خواهیم یافت؟

۴- کاربرد جبايه در نهج البلاغه و متون فقهی

امام علی(ع) در ابتدای نامه خویش به مالک، هدف از گماشتن وی به حکومت مصر را در چهار وظیفه عمده خلاصه می‌کند: «و لئن کان ما بلغنی عنک حقاً، لَجَمَلُ أَهْلِکَ وَ شِسْعُ نَعْلِکَ، خَیْرٌ مِنْکَ وَ مَنْ کَانَ بِصِفْتِکَ فَلَیْسَ بِأَهْلٍ أَنْ یُسَدَّ بِهِ نَعْرٌ أَوْ یُنْفَذَ بِهِ أَمْرٌ، أَوْ یُعْلَى لَهُ قَدْرٌ، أَوْ یَشْرَکَ فِی أَمَانَةٍ، أَوْ یُؤْمَنَ عَلَی جَبَايَةِ! فَأَقْبِلْ إِلَیَّ حَیْنَ یَصِلُ إِلَیْکَ کِتَابِی هَذَا إِنْ شَاءَ اللَّهُ». (سید رضی، نامه ۲۶) «جبايه خراجها» همان فراهم آوردن خراج (مالیات) است یعنی گردآوردن درآمدها است. در معنای جبايه گفته‌اند: «جبايه» به معنای گردآوردن و جمع کردن است و ریشه آن جَبَى است. (در بعضی نسخه‌ها جَبُوَه آمده است که از لحاظ معنی فرقی نمی‌کند. به گردآورنده مالیات، اعم از زکات، خراج، جزیه و مانند آنها «جایی»، «عامل» و «ساعی» گویند. از این عنوان در باب زکات و تجارت سخن گفته‌اند و احکام جبايه را نیز برشمرده‌اند. (جواهری، ۴۱۷/۱۵-۴۲۴)

۵- استعمال اجتناب در روایات اهل بیت (ع)

روایتی موجود است که صراحتاً اعلام می‌کند که مراد از «مِمَّنْ هَدَيْنَا وَ اجْتَبَيْنَا» ائمه(ع) هستند و در مجمع البیان در ذیل آیه «وَ مِمَّنْ هَدَيْنَا وَ اجْتَبَيْنَا...» از علی بن الحسین(ع) روایت آورده که فرمود: مقصود از آنان ما مییم (طبرسی، ۵۱۹/۶؛ ابن شهر آشوب، ۱۲۹/۴) و با عبارات مشابه چون «نحن عنینا بها» همین منظور آمده است. طبرسی، ۴۳۱/۶، طباطبائی، ۸۰/۱۴، ابن شهر آشوب، ۲۷۳/۳، حویزی، ۳۵۱/۳، مجلسی، ۱۱ و ۲۴/۱۷ و ۱۴۷، فیض کاشانی، ۲۸۶/۳)

در خطبه‌ای نیز حضرت زهرا (س) مفاهیم «اختار، اصطفی و اجتبی» را در وصف اهل بیت ع شرح داده و می‌فرماید: «... و اشهد ان ابی محمدا عبده و رسوله «اختاره» قبل ان ارسله و سماه قبل ان «اجتباها» و «اصطفاه» قبل ان ابتعته اذ الخلائق بالغیب مکنونه بستر الاهاویل مصونه و بنهایه العدم مقرونه»؛ حضرت زهرا س در این خطبه مبارک بعد از

شهادت به توحید و صفات الهی، شهادت به رسالت را ذکر می‌فرماید. حضرت زهرا (س) تأکید می‌کنند که این «اختیار» و «اصطفاء» قبل از ارسال و بعثت است. صاحب رساله لب الباب معتقد است «ما با تعابیر «ارسل»، «ابتعث» یا «بعث» آشنایم؛ «ارسال» یعنی فرستادن و «بعث» یعنی برانگیختن؛ ولی اوصاف دیگری هم در قرآن کریم برای انبیاء ذکر شده است، از قبیل «اختیار»، «اصطفاء» و «اجتباء» که به حسب رتبه بر ارسال یا بعث تقدم دارند». (حسینی تهرانی، ۸۳)

همانطور که می‌بینیم اجتباء درباره پیغمبر اکرم (ص) هم استعمال شده است. روایات دیگری نیز موجود است که نشان می‌دهد این واژه برای ائمه: به کار رفته است و با الفاظ «لکلماته» و یا «بقدرته» استعمال شده است. صاحب مشارق از قول جابر ابن عبدالله انصاری و از پیامبر (ص) در وصف اهل بیت نقل می‌کند: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ هَؤُلَاءِ عَشْرَةٌ نَبِيِّكُمْ وَأَهْلُ بَيْتِهِ وَذُرِّيَّتُهُ وَخُلَفَاؤُهُ شَرَفَهُمُ اللَّهُ بِكَرَامَتِهِ وَاسْتَوْدَعَهُمْ سِرَّهُ وَاسْتَحْفَظَهُمْ غَيْبَهُ وَاسْتَرْعَاهُمْ عِبَادَهُ وَأَطْلَعَهُمْ عَلَى مَكْنُونِ أَمْرِهِ وَلَقَنَهُمْ حِكْمَتَهُ وَوَلَّاهُمْ أَمْرَ عِبَادِهِ وَأَمْرَهُمْ عَلَى خَلْقِهِ وَاصْطَفَاهُمْ لِتَنْزِيلِ وَحْيِهِ وَأَخْدَمَهُمْ مَلَائِكَتُهُ وَصَرَفَهُمْ فِي مَمْلَكَتِهِ وَارْتَضَاهُمْ لِسِرِّهِ وَاجْتَبَاهُمْ لِكَلِمَاتِهِ وَاخْتَارَهُمْ لِأَمْرِهِ وَجَعَلَهُمْ أَغْلَامًا لِدِينِهِ». (مجلسی، ۲۵۸/۲۶؛ خراسانی، ۵۰/۱)

و یا ذیل آیه تطهیر و حدیث کساء روایت شده است: «وَ جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ». (نعمانی، ۷۲)

نظیر این عبارات را در روایات دیگر نیز می‌یابیم: «الدنيا و رفعها و أعلاها و إذا عرفت أن كل حسینی فی الدنيا من ولد علی بن الحسین زین العابدین (ع) ظهر لك كيف بارک الله فی ذریته الطاهرة و زکاهها و إذ فکرت فی جموع أعدائهم و انقراضهم تبینت أن العناية الإلهیة تولت هذه العترة الشریفة و أبادت من عاداها و سعدت فی الدنيا و الآخرة و سعد من والاها و قد تظاهرت الأخبار أن الله تعالی اختارها و اصطفاهها و اختار شیعتها و

بررسی معنای اجتناب در قرآن / ۱۲۹

اجتباها» (الأربلی، ۲۲/۲) «فقد روينا في بعض أسانيدنا لما سئل الصادق ع عن الصدق فقال ما معناه هو أن لا تختار على الله غيره فإنه تعالى قال هو اجتنابكم و فإذا كان اجتنابك فاجتبه أنت و لا تختار عليه هواك و لا دنياك». (ابن طاووس، ۱۱۸)

در روایتی آمده است که موسی بن عمران النخعی امام رضا(ع) صلب می‌کنند. امام آداب زیارت قبور مطهر ائمه می‌فرمایند امام به وی می‌آموزد: «ثُمَّ قُلْ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ وَ مَوْضِعِ الرَّسَالَةِ وَ مُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ وَ مَهْبِطِ الْوَحْيِ وَ مَعْدِنِ الرَّسَالَةِ وَ خُزَانِ الْعِلْمِ وَ مُنْتَهَى الْحِلْمِ...» و پس از شهادت به حضرت رسول(ص) در مورد شهادت ائمه(ع) می‌فرماید: «وَ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأَئِمَّةُ الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِيُّونَ الْمُعْصُومُونَ الْمَكْرَمُونَ الْمُقْرَبُونَ الْمُتَّقُونَ الصَّادِقُونَ الْمُصْطَفُونَ الْمُطِيعُونَ لِلَّهِ الْقَوَامُونَ بِأَمْرِهِ الْعَامِلُونَ بِإِرَادَتِهِ الْفَائِزُونَ بِكَرَامَتِهِ اصْطَفَاكُمْ بَعْلَمِهِ وَ ارْتَضَاكُمْ لِذِينِهِ وَ اخْتَارَكُمْ لِسِرِّهِ وَ اجْتَنَبَاكُمْ بِقُدْرَتِهِ وَ اعَزَّكُمْ بِهُدَاؤِهِ وَ خَصَّكُمْ بِبِرْهَانِهِ وَ انْتَجَبَكُمْ لِنُورِهِ وَ الْآخ...» (صدوق، ۲۷۳/۲)

در زیارت جامعه آمده است «واجتنابکم بقدرتہ» «باء» را سببی گرفته‌اند. یعنی: «بسبب قدرته تعالی جمعکم و اصطفاکم یعنی اعمال قدرت در این قضیه لازم بوده است. اگر در آیه‌ای، ذکری از قدرت الاهی آمده به خصوص با باء سببی؛ کاشف می‌شود از این که در آن جا یک کار با عظمتی صورت گرفته است. برای مثال در سوره قیامت چنین آمده است: «أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ» (القیامة، ۴۰) این که خداوند ائمه را به جهت مظهر بودن قدرت خود اختیار کرده، و بنابراین «باء» به معنای «لام» می‌شود. می‌توان این جمله را به عبارت: «اجتنابکم لتکونوا مظاهر قدرته» تفسیر نمود هر چند مجاز باشد. در قضیه قلع باب خیبر از امیر مؤمنان علی(ع) سؤال شد. حضرت فرمود: «والله ما قلعت باب خیبر و رمیت به خلف ظهري أربعين ذراعاً بقوة جسدية، و لاحركة غذائية، لكنني أيدت بقوة ملكوتية...» (صدوق، ۶۰۴ - ۶۰۵؛ فتال نیشابوری، ۱۲۷؛ مجلسی، ۲۶/۲۱)

به‌طور خلاصه آنچه تا کنون گفته شده است را می‌توان در جدول صفحه بعد بیان کرد:

جدول شماره ۱: پیشینه معانی اجتناء [مرتب شده بر حسب معانی]

منابع	معانی
راغب اصفهانی	نوعی جمع
راغب اصفهانی	تنها او را به فیض الهی خاص گرداند * یک مقام است
ابن منظور	استخراج اموال
علامه طباطبایی	برگزیدن و انتخاب کردن.
جوادی آملی	برچیدن و جمع‌آوری کردن نخبه‌ها. ^۱
علامه طباطبایی	اجتناء برای اخلاص است
علامه طباطبایی	مختص انبیاست
آلوسی بغدادی	برای غیر انبیاء هم هست
فخر رازی	اجتناء وقتی در حق انبیاء به کار می‌رود تفسیری جز نبوت ندارد.
آلوسی بغدادی	خوبیها در او جمع شده تا دیگری او را برگزیده

۶- تنزیه معنای «اجتناء» از معانی یادشده

آنچه بیان شد، نظرات محققان در مورد معنای این واژه بود. حال به بررسی معانی یاد شده می‌پردازیم تا ببینیم کارآیی این معانی تا چه میزان است. «تنزیه معنا» روشی است که علامه طباطبایی در تفسیرالمیزان برای غربال آراء ناصواب و تعیین مسیر درست مراد آیه به کار برده است.^۲ (عرب زاده، خداشناس، ۱۳۸۹)

۱- جوادی آملی: ۲۴۵/۶.

۲- در بخشی از این مقاله آمده است: علامه با استفاده از ادله لفظی و معنوی، چند رأی تفسیری، روایی، لغوی را نادرست یا باطل اعلام نموده و در مواردی خواننده را به سمت رأی صحیح سوق می‌دهد. این ویژگی سبب شده تا در «تمیز معنا» در مسیر انحرافی وارد نشده و مسیر صعودی معنای آیه مشخص شود. او در بسیاری موارد احتیاط نموده و نظر قطعی را اعلام نمی‌نماید، بلکه فقط تلاش نموده تا از نزول سطح فهم مخاطب به معنای نادرست جلوگیری می‌نماید. این روش را «تنزیه معنا» نام‌گذاری نموده‌ام (عرب زاده، خداشناس، بررسی روش علامه در تفسیر المیزان با رویکرد تنزیه معنا و آثار آن در سوره نجم، ۱۳۸۹)

۶-۱- اجتناب در معنای برگزیدن و اعطای مقام نیست

خداوند در سوره طه آیه ۱۲۱ و ۱۲۲ می‌فرماید: «وَعَصَىٰ آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَىٰ ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَىٰ»، آدم (ع) عصیان کرد و اغوا شد. در ترجمه تحت‌اللفظی بعضی از قرآن‌ها اجتناب به معنای برگزیدن آمده است. به این معنا که حضرت آدم (ع) عصیان کرد و اغوا شد و سپس خداوند او را به مقام اجتناب رساند! آیا چنین معنایی منطقی است که خداوند ثمره اغوا و عصیان را رساندن به مقام اجتناب قرار دهد؟ در قبال عصیان و اغوا، آدم (ع) باید تنبیه می‌شد، نه اینکه به ایشان جایزه داده شود و به عنوان نبی برگزیده شود. پس معنای برگزیدن نمی‌تواند معنای مناسبی برای مفهوم اجتناب باشد. در این صورت اجتناب به چه معناست؟ مفهوم اجتناب چیست که به تبع آن خداوند می‌فرماید: فَتَابَ عَلَيْهِ؟!

۶-۲- اجتناب به معنای چیزی را از میان چند برگزیدن نیست

در تفسیر ذیل بعضی آیات می‌خوانیم که «خداوند باغ را احداث کرد و درختها را کاشت که طیب و طاهر بود حالا آبهای هرز را بعضی می‌خورند بعضی نمی‌خورند خدای سبحان بخواهد میوه این باغ را بچیند مثل آن باغبان ماهر که سعی می‌کند بهترین میوه را انتخاب بکند جَبَايَه یعنی برچین کردن، مُجْتَبَى یعنی برچین شده نظیر مصطفاست و نه عین مصطفی. فرمود اینها مجتَبای ما هستند، جَبَايَه شده‌اند، برچین‌اند حالا اگر کسی مهمان داشته باشد بنا باشد از یک طبق میوه مقداری انتخاب بکند آن درشتها و سالمها و شادابها را انتخاب می‌کند دیگر فرمود اینها برچین شده ما هستند ما اینها را برچین کردیم، مُجْتَبَايَ مَا هَسْتَنْد». (جوادی آملی) این تعریف را در ماجرای اغوا و عصیان عصیان آدم (ع) قرار دهیم. با این وصف چگونه می‌توان اجتناب را به معنای «کسی را از بین دیگران برگزیدن» دانست در حالی که، در زمان عصیان آدم (ع)، دیگرانی نبودند تا خداوند از بین آنها، آدم (ع) را برگزیند! همچنین در آیه مبارکه: «وَ إِذَا لَمْ تَأْتِهِمْ بِآيَةٍ قَالُوا لَوْلَا اجْتَبَيْتَهَا قُلْ إِنَّمَا أَتَّبِعُ مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ مِنْ رَبِّي هَذَا بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» (الاعراف، ۲۰۳)، واژه

«اجتباء» نمی‌تواند به معنای «برگزیدن» ترجمه شود. زیرا مگر بحث بر سر انتخاب آیات و گزینش آیه‌ای از بین آیات متعدد مطرح بوده است؟!

۶-۳- اجتباء در معنای جمع کردن نیست

علامه طباطبایی می‌نویسد: «معنای برگزیدن معنای اصلی این لغت نیست و معتقد است این معنا گرچه از موارد استعمالش استفاده می‌شود، و لیکن معنای اصلی لغت نیست، بلکه لازم آن معنا است، و گرنه معنای اصلی اجتباء همان جمع‌آوری است».

اما اجتباء به معنای «جمع کردن» را هم نمی‌توان به سادگی پذیرفت. به آیه زیر دقت کنیم: «مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَجْتَبِي مِن رُّسُلِهِ مَن يَشَاءُ فَاٰمِنُوْا بِاللّٰهِ وَرُسُلِهِ وَاِنْ تُوْمِنُوْا وَتَتَّقُوْا فَلَكُمْ اَجْرٌ عَظِيْمٌ». (آل عمران، ۱۷۹)

خدا بر آن نیست که مؤمنان را به این [حالی] که شما بر آن هستید، واگذارد، تا آنکه پلید را از پاک جدا کند. و خدا بر آن نیست که شما را از غیب آگاه گرداند، ولی خدا از میان فرستادگانش هر که را بخواهد اجتباء نماید. پس، به خدا و پیامبرانش ایمان بیاورید؛ و اگر بگروید و پرهیزگاری کنید، برای شما پاداشی بزرگ خواهد بود. همان‌طور که ملاحظه می‌شود نمی‌توانیم در ترجمه بگوییم؛ خداوند انبیا را جمع کرده است.

صاحب المیزان نیز شرایطی تنگنای امتحان الهی را نیک دریافته است: «آنها انبیایی هستند که خصوصیت مشترکی نداشته و لیکن هر کدام امتحان بزرگی مخصوص به خود داشته‌اند - و خداوند داناتر است». (طباطبایی، ۲۴۷/۷)

اما علامه سیاق آیات را شاهد می‌گیرد و در جای دیگر معنای اجتباء را جمع‌آوری معرفی می‌کند: «از سیاق آیات مورد بحث به دست می‌آید که ما سلسله جلیل انبیا را که در طول تاریخ بشریت متفرق بوده و هر یک در زمانی می‌زیستند را یک جا جمع نمودیم و یک جا و به یک عنایت همه را به سوی صراط مستقیم هدایت کردیم». وی همچنین به

۱۳۳ بررسی معنای اجتناب در قرآن

این هم اکتفا نکرده و از این بحث نتیجه یکی بودن شرایع را می‌گیرد: «دعوت همه انبیاء: و تمام شرایع، درحقیقت یکی است اگر چه در سعه و ضیق و اجمال و تفصیل مختلف باشند».

۶-۴- اجتناب همیشه درباره افراد نیست

هریک از معانی برگزیدن و جمع‌آوری، درمورد افراد صدق می‌کند در صورتی که اجتناب همیشه درباره افراد نیست: «وَقَالُوا إِن تَتَّبِعِ الْهُدَىٰ مَعَكَ تَتَّخِطُّ مِنَّا أَرْضًا أَوْ لَمْ نُمْكِن لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجِيبِي إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِزْقًا مِن لَدُنَّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ». (القصص، ۵۷) این آیه در مورد اجتناب ثمرات است.

۶-۵- بررسی معنای اجتناب با اصطقی و اختیار

نمی‌توان این سه واژه را معادل هم گرفت صرفاً به این دلیل که کنار هم آمده‌اند و اصولاً درست به همین دلیل، دقیقاً باید نتیجه گرفت که این سه، سه معنای جداگانه دارند. در زبان عرب خاصه در لسان قرآن نکته‌هایی که آن‌ها لحاظ شده مختلف است. «اصطفاء» از «صفو» است، یعنی صاف و زلال چیزی را گرفتن، تصفیه کردن است در حالی که «اجتناب» یعنی کشیدن، چیزی شبیه عصاره چیزی را کشیدن و «اختیار» هم از ماده «خیر» است؛ یعنی چیزی را به عنوان خیر برگزیدن. بنابراین آنچه گفته شد می‌توان چنین گفت که معانی فعلی جانشین مناسبی برای این واژه نیست.

۶-۶- معنا مشترک اجتناب

منظور از «معنا مشترک»، معنایی است که در تمام موارد منطقی بوده و نیز در شأن آیه باشد. (خداشناس، ۱۳۷۸) برای این کار ابتدا مجموعه آیات لفظی را به همراه سیاق آیات اجتناب در قرآن را إحصاء می‌کنیم.

حال برای دست یافتن به معنا، آیات مربوط به اجتناب را در موارد مختلف

مرور می‌کنیم:

الف) مریم (س) کودکی بود که به خاطر نذر مادر علیرغم سنت زمانه، به معبد رفت در حالی که خوشایند دیگران نبود. می‌شد، که خواست خدا بر این باشد که او همانند دیگر مردمان قوم زندگی معمولی داشته باشد و چون هزاران دیگر در فراموش‌خانه خاک چشم فرو بندد و یا میان طعنه‌ها و سنتهای براساس تعصب مردم آن زمان، له شود. اما خداوند او را مجتبی می‌کند. به این معنا که شرایطی برای او محیا می‌کند و عالم و آدم با قدرت خداوند به خدمت گرفته می‌شوند تا خواست خدا، برای آن شخص جاری شود. حضرت زکریا (ع) او را به فرزند خواندگی قبول می‌کند، او را رشد داده و تربیت می‌کند. به معبد می‌رود، خداوند شرایط تعالی و قرب را برایش فراهم می‌کند و راهی از رشد و سلوک را برایش باز می‌کند که حتی برای پدر خوانده‌اش هم باز نبوده است و چه بسا برای هیچ بشری تا آن زمان باز نشده بود!^۱ مریم (س) اجتناب می‌شود و اراده خداوند بر این است که او حامل یکی از کلمات الهی باشد. او آنقدر تربیت می‌شود که زکریا (ع) هم تعجب می‌کند. آنگاه که مائده‌های آسمانی را بر او حاضر می‌بیند.^۲ خداوند راهی از غیب برای او باز می‌کند در حالی که نه کسی انتظار چنین روزی معنوی برای او تصور می‌کرد و نه خود او توان انجام چنین کاری را داشت! خداوند شرایط و همه چیز را برای این بشر فراهم می‌نماید تا ظرف وجودش حامل کلمه‌ای از کلمات الهی باشد.^۳ به بیان دیگر، مریم (س) بر مسیری قرار داده می‌شود که؛ ثمراتی آن چنان عظیم در پی داشت و همانی می‌شود که خدا می‌خواهد و مسیری از زندگی برایش باز می‌شود که او را از یک انسان عادی به

۱- «فَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولِ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكَ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِرِزْقٍ مِّنْ نَّشَاءٍ بَغِيرِ حِسَابٍ». (آل عمران، ۴۷)

۲- همان.

۳- «إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ». (آل عمران، ۴۵)

بررسی معنای اجتناب در قرآن ۱۳۵

مریم (س) تبدیل می‌کند. و اجتناب به منزله پله‌ای است که پس از آن در مسیر هدایت، اصطفتی، صالحیت قرار می‌گیرد. یعنی دقیقاً منطبق با خواست خدا.

ب) موسی (ع) را نگاه کنیم. زمانی که فرعون ستمگر قصد از بین بردن همه نوزادان ذکور را از ترس براندازی سلطنتش دارد، مهر موسی (ع) به عظمت نیل، در دلش می‌افتد او را به بیبتش می‌آورد و چون فرزندش بزرگ می‌کند. خدا خواست که نبی‌اش در دامن دشمنش و در امنیت کامل پرورانده شود. آنگاه که خدا خواست و موسی (ع) برای این مهم گزینش شد، مگر می‌شود چیزی غیر از این واقع شود؟ بلکه برعکس! همه کائنات، ملائک، آدمها و زمانها برای اجرای امر خداوند گردهم آمده تا پسر خوانده فرعون، ... موسی (ع) شود! همانی که ارسال شده است تا قومش را به سوی یوم الله رجعت، قیام قائم و قیامت تذکره بدهد.^۱ اجتناب یک مفهوم است. مفهومی که می‌بایست از میان واژه‌های قرآن متوجه آن شد و نباید تنها به معنای لغوی بسنده کرد. درست مانند دیگر واژه‌های قرآن که باید منظور گوینده را داخل خود متن مورد نظر پیدا نمود.

این تعریف، ابتدای راه است و سؤالاتی اساسی را به ذهن متبادر می‌سازد از جمله اینکه؛ اجتناب چگونه راهی است؟ چه ثمراتی دارد؟ و به کدام سو است؟ یکی از محققین شرایطی را برای تخمین «معنا مشترک» به روشنی بیان می‌کند^۲ و می‌نویسد: «معنا باید به

۱ - «لَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ» (ابراهیم، ۵)، یعنی: ما موسی را با آیات خود فرستادیم؛ [و دستور دادیم] قومت را از ظلمات به نور بیرون آر. و «ایام الله» را به آنان یاد آور. در این، نشانه‌هایی است برای هر صبرکننده شکرگزار. الامام امیرالمؤمنین (ع) قال: الغیب یوم الرجعة و یوم القیامة و یوم القائم و هی ایام آل محمد (ع)... و الیها الاشارة بقوله: « وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ». امیرالمؤمنین (ع) فرمود: «الغیب» روز رجعت و روز قیامت و روز قائم (عج) است و آن روزهای آل محمد: است... و اشاره به آن آیه می‌کند «وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ». (مشارق انوار الیقین، ۱۵۹)

۲- برای رسیدن به «معنای مشترک» در مورد واژه‌های قرآنی، بهتر است موارد زیر را لحاظ نمود: ۱- معنای پیشنهادی، متضمن شأن آن مفهوم در نظام خداوندی باشد. ۲- مرز آن با مفاهیم نزدیک به خود، قابل تشخیص باشد. ۳- تأثیر قبول یا عدم قبول آن مفهوم کاملاً مشخص باشد و ارتباط منطقی آن با مفاهیم همسایه واضح باشد. ۴- مفهوم پیشنهادی باید مبین و قابل تعقل باشد. ۵- با سنتها و نظام الهی هماهنگ باشد. ۶- اقوم باشد.

گونه‌ای معادل‌یابی شود که حتی اگر نیاز باشد در قالب یک جمله نیز بیان شود، چون چشمه‌ای جوشان، افقهای تازه‌تری از مفهوم را پیش رو بگشاید. نه این‌که خود را، در انتها و بن بست بیابیم». (خدانشناس، ۱۳۷۸) و دیگر اینکه: «معنای پیشنهادی، متضمن شأن آن مفهوم در نظام خداوندی باشد» (همو، ۱۳۷۸) پس می‌توان برای معنای «إجتباء» چنین گفت: «راه خوبی را [برای کسی یا چیزی] باز کردن». این تعریف متضمن معنای برگزیدن، جمع‌آوری، نخبه‌پروری هم هست. علاوه بر این که چشم‌اندازی نوین و در خور شأن آیه از این تعریف در پیش رو خواهیم داشت.

(ج) یونس (ع)، ناشکیب از حمیت قوم و متضرع به درگاه خدا شکوه می‌کند. به تبع این رفتار در بطن حوت قرار داده می‌شود و اگر نعمتی از طرف خدا برایش جاری نمی‌شد سرنوشت دیگری در انتظارش بود در حالی که مذموم و سقیم بود. (الصافات، ۱۴۵-۱۴۷) اما توبه می‌کند آنگاه مشمول إجتباء شده و خداوند راهی برایش باز می‌کند و نجاتش می‌دهد در حالیکه به شدت گرفتار بود. آنگاه خداوند او را برای اصلاح صد هزار نفر و یا بیشتر ارسال می‌کند و تا آنجا رشد داده می‌شود که نام او در زمره صالحین قرار می‌گیرد! (القلم، ۵۰) در حالیکه خود را در زمره ظالمین می‌دید! «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ». (الأنبياء، ۸۷)

علامه علت نجات یونس (ع) را تسبیح می‌دانند: «اگر مداومت یونس (ع) در تسبیح خدای عزوجل در طول زندگیش و قبل از ابتلایش نبود چنین و چنان می‌شد، چون کلمه «مُسَبِّحِينَ» مداومت در تسبیح را می‌رساند، در نتیجه مجموع دو آیه دلالت می‌کند بر اینکه بیرون رفتن یونس (ع) با خشم، اقتضای این را داشته که تا روز قیامت در شکم ماهی

«إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّذِي هِيَ أَقْوَمُ». (الاسراء، ۹) ۷- عظیم و زیبا و دل‌نشین باشد. ۸- فطرت سلیم آن را درحد بدیهیات بپذیرد. ۹- استدلال آن متقن باشد. ۱۰- در تمام مصادیق جواب دهد. ۱۱- ضدی برای آن یافت نشود. ۱۲- گره‌گشا باشد. ۱۳- با تأویلات و روایات اهل بیت (ع) هم خوانی داشته و یا لاقلاً در تعارض نباشد. ۱۴- معنای پیشنهادی بویا باشد. چون چشمه‌ای جوشان، افقهای تازه‌تری از مفهوم را پیش رو بگشاید. نه این‌که خود را، در انتها و بن بست بیابیم.

بررسی معنای اجتناب در قرآن ۱۳۷

بماند، و لیکن تسبیح دائمیش قبل از افتادن در شکم ماهی و بعد از آن، از این اقتضا منع کرده، و باعث شده که مقدرش طوری دیگر شود، و آن این است که ماهی او را در بیابان بیندازد، و نیز مقتضای عملش این بود که او را به صورتی زشت و مذموم بیندازد، و لیکن مانعی دیگر از آن جلوگیری نمود، و آن نعمتی از پروردگارش بود، که او را دریافت، و نه تنها مذموم نشد، بلکه پروردگارش او را اجتناب کرد و از صالحانش قرار داد.» (طباطبائی، ۳۸۸/۱۹)

یونس (ع) مدت‌ها قبل از این ماجرا، برگزیده شده و نیز رسول بود. لذا نمی‌توان گفت: اجتناب در این ماجرا، به معنای برگزیده شدن یا انتخاب شدن است. بلکه بدین معنا است که: خداوند پس از آن شرایط سخت و نا امیدکننده، مسیری از رشد و ترقی مجدد را پیش پای او گشود و بیشتر از صد هزار نفر را در معرض ایشان قرار داد و به این صورت، او را از شکم ماهی و زخم‌های فراوان روی بدن، به صالحیت رساند: «فَاجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَجَعَلَهُ مِنْ الصَّالِحِينَ». (القلم، ۵۰)

تعاریفی که پیش از این در مورد این واژه گفته شد (جدول: ۱)، به گونه‌ای است که محدوده مشخصی برای آن در نظر گرفته نمی‌شود. یعنی این واژه به گونه‌ای معنا می‌شود که در دایره نزدیکی از معنا با مفاهیم مرتبط مانند: اصطفی و اختیار قرار می‌گیرد و چه بسا گاهی دایره معنایی واژه کاملاً منطبق با اصطفی، اختیار، انتخاب و حتی نبوت قرار می‌گیرد و مرزی میان آنها نمی‌یابیم! اما با این تعریف منظور از اجتناب، محدوده فعل خداوند از زمان تغییر ریل عذاب به نجات است. نجاتی که نعمت و توفیقی از جانب خود خداست و تنها در «بد قدرت» اوست طوری که همه شرایط، تحت فرمان و به امر خدا و در راستای تحقق برنامه‌های خدا به جریان می‌افتد. موهبت بعدی هم که در ادامه آیه مطرح شده است از ثمرات و پله‌های بعدی تربیت و رشدی است که به واسطه باز شدن مسیر خیر برای آن بشر خاص تحقق یافته است. به عبارت دیگر مفهوم اجتناب در مقوله تغییر سرنوشت به فرج و گشایش مطرح می‌شود و از آن پس پله‌های بعدی رشد و ترقی در درجات فضل برای

فرد جاری می‌شود. که اصطافی، صالحیت، نبوت و رسالت از تبعات آن است. مشاهده می‌کنیم با این تعریف مرزهای ظریف معنا، میان الفاظ مشابه به راحتی تبیین می‌شود.

(د) کلّ زندگی یوسف(ع) به تبع اجتناب اوست و خواست خداوند است که مسیر رشد را برایش هموار می‌سازد. شرایط زندگی مادی او به گونه‌ای است که برادرانش قصد کنار زدن او، از عرصه رقابت و حقارت او را دارند و آنقدر حضور برادر کوچک برایشان غیرقابل تحمل است که با تسویل شیطان علقه خویشاوندی را زیر پانواده و شرایط زیستن را برای او بسیار سخت و محدود می‌کنند. در چنین شرایط ظاهری دنیایی، آنچه یعقوب(ع) در مورد رؤیای فرزندش تأویل می‌کند، سالهای بعد واقع می‌شود:

«وَكَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ» (یوسف، ۶) و بدین‌سان، پروردگارت تو را اجتناب می‌نماید، و به تو «تأویل الأحادیث» می‌آموزد و راهی از غیب برای رشد یوسف(ع) باز می‌کند که غلام کنعان، عزیز و سپس مَلِکِ سرزمین مصر شده و در خلال این مسیر، سیر رشد را تا نبوت و رسالت طی می‌کند.

(ه) آدم(ع) مورد اغوای شیطان قرار گرفت و به تبع عملش هبوط داده شد. او باید پیوسته جزو خاسرین باقی می‌ماند (الاعراف، ۲۳)، اما اراده خدا بر اجتناب آدم(ع) قرار گرفت و راهی به سوی خیر و صعود در درجات فضل به روی آدم(ع) باز شد. مسیر اجتناب آدم(ع) از جایی بود که فرمود: «فَتَلَقَىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ» (البقره، ۳۷) خداوند به او القاء کلمات می‌نماید کلماتی منسوب به اهل بیت؛ در روایات آمده است: «إن الكلمات التي تلقاها آدم من ربه: اللهم بحق محمد و علي و فاطمه و الحسن و الحسين إلا تبت علي، فتاب الله عليه» (بحرانی: ۳۱۸ / ۱؛ همو، ۳۹۳ / ۲؛ العیاشی ۱، ۴۲؛ فرات الکوفی، ۵۸؛ صدوق، ۱۲۵؛ همو، ۳۰۴ / ۱؛ حلی، ۳۷۹؛ مجلسی، ۳۳۳ / ۲۶؛ حسینی استرآبادی، ۵۰؛ منسوب به امام حسن عسگری (ع)، ۲۲۶)

و نیز آمده است: «لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا بِمَعْرِفَتِنَا وَ نَحْنُ وَاللَّهُ الْكَلِمَاتُ الَّتِي تَلَقَّاها آدَمُ مِنْ رَبِّهِ فَتَابَ عَلَيْهِ». (مجلسی، ۴ / ۲۵ و ۳۹ / ۲۷)

بررسی معنای اجتناب در قرآن ۱۳۹

گویا مفهوم اجتناب در سوره بقره آیه ۳۷ با عبارت «فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ» توضیح داده شده است و مانند این است که به ازای «ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ»، «فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ» مطرح شود. خداوند متعال در ظرف وجود آدم (ع) کلمات را القاء کرد و بدین صورت، مسیری برای آدم (ع) باز نمود و او را در پلکان هدایت قرار داد.

و) مفهوم اجتناب در سوره شوری آیه ۱۳ هم قابل تحلیل است. آنجا که می‌فرماید: «أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ وَجند آیه بعد می‌فرماید: اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ» مطلب دیگر اینکه: در سوره مبارکه انعام آیه ۸۷ آمده است که: «وَاجْتَنِبْنَاهُمْ وَهَدَيْنَاهُمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» بنا بود که شما متفرق شوید اما خداوند مسیری به سوی شما باز نمود و شما را دوباره دورهم جمع کرد و از تفرقه جلوگیری نمود، بلکه برعکس، مسیر هدایت را پیش رویتان گشود و شما را بر صراط‌المستقیم قرار داد. همین مفهوم در آیات نحل ۱۲۱ و شوری ۱۳ هم آمده است که: «شَاكِرًا لِّأَنْعَمِهِ اجْتَبَاهُ وَهَدَاهُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَاللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ».

گفتنی است مصادیق «اجتناب» در سراسر قرآن یافت می‌شود هر چند که با این واژه مطرح نشده باشد. مثلاً آنجا که پیامبر(ص) در غار بود و شرایط دنیایی و ظاهری حاکی از پایان کار ایشان بود.

و یا در «ليلة المبيت» همه چیز بر این بود که اتفاق ناخوشایندی بیافتد اما خدا راه خوبی باز می‌کند، درست در شرایطی که به نظر می‌رسید همه چیز تمام شده است، خداوند حکیم راه خوبی باز می‌کند.

ایجاد، حمل، تولد و در گهواره حرف زدن عیسی(ع) نشان می‌دهد که این پیامبر خدا از بدو تولد «مجتبی» بوده است. با این تعریف، هم فاعلیت و «ولایت» خدا بسیار پررنگ خواهد شد و از سوی دیگر، معنای «اجتناب من یشاء» از بندگان نیز جایگاه پیدا می‌کند. به این معنا که خدا در جایی که همه راه‌ها به روی انسان بسته است، ناگهان راهی از خزانه غیبش به روی او باز می‌کند و او را از تنگنا نجات می‌دهد. البته، این

نکته مهم است که «اجتباء» برای افراد عادی نیز رخ می‌دهد اما از نوع درجات پایین «اجتباء» است نه اجتباء به سوی نبوت و رسالت، بلکه در حدّ توفیق انجام خیر و یا گشایش امر می‌باشد.

در جدول زیر معانی مطروحه برای واژه «اجتباء» و مشتقاتش بررسی شده است که آیا معنای مدنظر در آن آیه جواب می‌دهد یا خیر. به طوری‌که وضعیت هر یک از معانی در آیه‌های مربوط به آن، نشان داده شده است.

جدول شماره ۲: بررسی معانی احتمالی اجتباء در آیات قرآن

جمع کردن	موشی را مخصوص او کردن	محور [ظرفی برای] جمع قرار گرفتن	برگزیدن و انتخاب کردن	از میان جمعی برگزیدن	راه خوبی باز کردن	آیه
-	+	-	+	+	+	(ال عمران، ۱۷۹) - مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَجْتَبِي مِن رُّسُلِهِ مَن يَشَاءُ فَاٰمِنُو بِاللّٰهِ وَرُسُلِهِ وَاِنْ تَوٰمَنُوْا وَتَنَقَّوْا فَلَكُمْ اَجْرٌ عَظِيْمٌ
-	+	-	+	+	+	(انعام، ۸۷) - وَ مِنْ اٰبَائِهِمْ وَ ذُرِّيَّاتِهِمْ وَاِخْوَانِهِمْ وَاَجْتَنَّبُوْهُمُ وَ هَدَيْنَاهُمْ اِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ
-	-	-	-	-	+	(اعراف، ۲۰۳) - وَاِذَا لَمْ تَأْتِيَهُمْ بَآيَةٌ قَالُوْا لَوْ لَا اِجْتَنَّبِيْهَا قُلْ اِنَّمَا اتَّبَعْتُ مَا يُوحَىٰ اِلَيّْٰ مِنْ رَبِّيْ هٰذَا بَصَآئِرٌ مِّنْ رَبِّكُمْ وَ هُدًى وَّرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُوْنَ
-	-	+	+	+	+	(يوسف، ۶) - وَ كَذٰلِكَ يَجْتَبِيْكَ رَبُّكَ وَ يُعَلِّمُكَ مِمَّنْ تَاوِيْلُ الْاٰحَادِيْثِ وَ يُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَ عَلٰى اٰلِ يَعْقُوْبَ كَمَا اَتَمَّهَا عَلٰى اَبُوَيْكَ مِنْ قَبْلِ اِبْرٰهِيْمَ وَاِسْحٰقَ اِنَّ رَبَّكَ عَلِيْمٌ حَكِيْمٌ
-	-	-	+	+	+	(نحل، ۱۲۱) - شٰكِرًا لِّاَنْعَمِہٖ اِجْتَبَاہُ وَ هَدَاہُ اِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ

بررسی معنای اجتناب در قرآن ۱۴۱

-	-	-	+	+	+	(مریم، ۵۸) - أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِنْ ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا
-	-	+	-	-	+	(طه، ۱۲۲) - ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَىٰ
-	+	-	+	+	+	(حج، ۷۸) - وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَ فِي هَذَا لِيُكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَ تَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ اغْتَصِبُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النَّصِيرُ
+	-	+	-	-	+	(قصص، ۵۷) - وَ قَالُوا إِن نَّبِعِ الْهُدَى مَعَكَ نَتَّخِطُ مِنْ آرْضِنَا أَوْ لَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجْبَىٰ إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِزْقًا مِنْ لَدُنَّا وَ لَكِنَ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ
-	-	+	+	+	+	(شوری، ۱۳) - شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِ نُوحًا وَ الَّذِي أُوحِيَنا إِلَيْكَ وَ مَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَىٰ وَ عِيسَىٰ أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ
-	+	-	-	-	+	(قلم، ۵۰) - فَاجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحِينَ
۱	۴	۴	۷	۷	۱۱	نتایج (در ۱۱ آیه)

چنانکه ملاحظه می‌شود معنای «راه خوبی برای کسی یا چیزی باز نمودن» در همه یازده مورد استعمال لفظ مناسب است. در حالی که معانی دیگر به میزان کمتری قابل استفاده است.

۷- نگاهی مجدد به آیات «اجتباء» با معنای جدید

اینک با توجه به معنای اخیر آیات را ترجمه می‌کنیم؛

۱- «ما كان الله ليذر المؤمنين على ما أنتم عليه حتى يميز الخبيث من الطيب وما كان الله ليطلعكم على الغيب ولكن الله يجتبي من رسله من يشاء فآمنوا بالله ورسوله وإن تؤمنوا وتتقوا فلکم أجر عظیم». (آل عمران، ۱۷۹)، یعنی: خدا بر آن نیست که مؤمنان را به این [حالی] که شما بر آن هستید، واگذارد، تا آنکه پلید را از پاک جدا کند. و خدا بر آن نیست که شما را از غیب آگاه گرداند، ولی خدا از میان فرستادگانش هر که را بخواهد راه اطلاع از غیب را به سوی او باز می‌کند. پس، به خدا و پیامبرانش ایمان بیاورید؛ و اگر بگروید و پرهیزگاری کنید، برای شما پاداشی بزرگ خواهد بود.

۲- «و من آبائهم و ذریاتهم و إخوانهم و اجنبتناهم و هديناهم إلى صراط مستقيم * ذلك هدى الله يهدى به من يشاء من عباده ولو أشركوا لحبط عنهم ما كانوا يعملون». (الانعام، ۸۷)، یعنی: و از پدران و فرزندان و برادرانشان برخی را [بر جهانیان برتری دادیم]، و ما راه‌های خوبی برای رشد و ترقی در کمالات را به سوی آنان باز کرده و به راه راست راهنمایی کردیم. این، هدایت خداست که هر کس از بندگانش را بخواهد بدان هدایت می‌کند. و اگر آنان شرک ورزیده بودند، قطعاً آن چه انجام می‌دادند از دستشان می‌رفت.

۳- «و إذا لم تأتهم بآية قالوا لولا اجتبتنا قل إنما أتبع ما يوحى إلي من ربي هذا بصائر من ربكم وهدى ورحمة لقوم يؤمنون». (الاعراف، ۲۰۳)، یعنی: و هر گاه برای آنان آیاتی نیاوردی، می‌گویند: «چرا خود از جایی آیه‌ای نمی‌آوری؟» بگو: «من فقط آنچه را که از پروردگرم به من وحی می‌شود پیروی می‌کنم. این [قرآن] رهنمودی است از جانب پروردگار شما و برای گروهی که ایمان می‌آورند هدایت و رحمتی است.

۴- «و كذلك يجتبيك ربك و يعلمك من تأويل الأحاديث و يئم نعمته عليك و على آل يعقوب كما أتمها على أبويك من قبل إبراهيم و إسحاق إن ربك عليم حكيم». (يوسف، ۵)، یعنی: و این چنین، پروردگارت راه‌های خوبی برای رشد و ترقی در کمالات را به روی تو

بررسی معنای اجتناب در قرآن ۱۴۳

باز می‌کند، و علم تأویل الاحادیث را به تو عطا می‌کند، و نعمتش را بر تو و بر خاندان یعقوب تمام می‌کند، همان گونه که قبلاً بر پدران تو، ابراهیم و اسحاق، تمام کرد. در حقیقت، پروردگار تو دانای حکیم است.

۵- «شَاكِرًا لِّلنُّعْمِ اجْتَبَاهُ وَ هَدَاهُ اِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ * وَ اَتَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ اِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ». (النحل، ۱۲۱)، یعنی: [و] نعمتهای او را شکرگزار بود. [خدا] راه‌های خوبی برای رشد و ترقی در کمالات را به روی او باز نمود و به راهی راست هدایتش کرد. و در دنیا به او نیکویی و [نعمت] دادیم و در آخرت [نیز] از شایستگان خواهد بود.

۶- «اُولَئِكَ الَّذِيْنَ اَنْعَمَ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّنَ مِنْ ذُرِّيَةِ اٰدَمَ وَ مِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَ مِنْ ذُرِّيَةِ اِبْرٰهِيْمَ وَ اِسْرٰئِيْلَ وَ مِمَّنْ هَدَيْنَا وَ اجْتَبَيْنَا اِذَا تَتَلٰوٰى عَلَيْهِمْ اٰيٰتُ الرَّحْمٰنِ خَرُّوْا سُجَّدًا وَ بُكْيًا». (مریم، ۵۸)، یعنی: آنان کسانی از پیامبران بودند که خداوند بر ایشان نعمت ارزانی داشت: از فرزندان آدم بودند و از کسانی که همراه نوح [بر کشتی] سوار کردیم؛ و از فرزندان ابراهیم و اسرائیل و از کسانی که [آنان را] هدایت نمودیم و راه‌های خوبی برای رشد و ترقی در کمالات را به روی آنها باز نمودیم؛ [و] هر گاه آیات [خدای] رحمان بر ایشان خوانده می‌شد، سجده‌کنان و گریان به خاک می‌افتادند.

۷ «فَوَسْوَسَ اِلَيْهِ الشَّيْطٰنُ قَالَ يَا اٰدَمُ هَلْ اَدْرٰكُ عَلٰى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَ مُلْكٍ لَّا يَلِيْٓءُ * فَاَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَ طَفِقَا يَخْصِفٰنِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَّرَقِ الْجَنَّةِ وَ عَصٰى اٰدَمُ رَبَّهُ فَغَوٰى * ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ وَ هَدٰى». (طه، ۱۲۲)، یعنی: پس شیطان او را وسوسه کرد، گفت: «ای آدم، آیا تو را به درخت جاودانگی و ملکی که زایل نمی‌شود، راه نمایم؟» آنگاه از آن [درخت ممنوع] خوردند و برهنگی آنان برایشان نمایان شد و شروع کردند به چسبانیدن برگهای بهشت بر خود. و [این گونه] آدم به پروردگار خود عصیان ورزید و بیراهه رفت. سپس پروردگارش راه‌های خوبی برای رشد و ترقی را به روی او باز نمود و بر او ببخشود و [وی را] هدایت کرد.

۸- «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ * وَ جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَ فِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَ تَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ اغْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النَّصِيرُ». (الحج، ۷۸)، یعنی: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، رکوع و سجود کنید و پروردگارتان را پرستید و کار خوب انجام دهید، باشد که رستگار شوید. و در راه خدا چنانکه حق جهاد [در راه] اوست جهاد کنید، اوست که راه‌های خوبی برای رشد و ترقی در کمالات را به روی شما باز نموده و در دین بر شما سختی قرار نداده است. آیین پدرتان ابراهیم [نیز چنین بوده است] او بود که قبلاً شما را مسلمان نامید، و در این [قرآن نیز همین مطلب آمده است] تا این پیامبر بر شما گواه باشد و شما بر مردم گواه باشید. پس نماز را برپا دارید و زکات بدهید و به پناه خدا روید. او مولای شماست؛ چه نیکو مولایی و چه نیکو یآوری.

در روایات آمده است: «الْخَيْرِ فَهُوَ طَاعَةُ الْإِمَامِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ . يَا شِيعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ قَالَ مِنْ ضَيْقِ مِلَّةِ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَ فِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ يَا آلَ مُحَمَّدٍ يَا مَنْ قَدْ اسْتَوْدَعَكُمْ الْمُسْلِمِينَ وَ افْتَرَضَ طَاعَتَكُمْ عَلَيْهِمْ وَ تَكُونُوا أَنْتُمْ شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ بِمَا قَطَعُوا مِنْ رَحِمِكُمْ وَ ضَيَعُوا مِنْ حَقِّكُمْ وَ مَزَقُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَ عَدَلُوا. حُكْمَ غَيْرِكُمْ بِكُمْ فَالزُّمُوا الْأَرْضَ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ اغْتَصِمُوا بِاللَّهِ يَا آلَ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلَ بَيْتِهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ أَنْتُمْ وَ شِيعَتُكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النَّصِيرُ». (مجلسی، ۳۶۳/۲۴)

۹- «وَ قَالُوا إِنْ تَتَّبِعِ الْهُدَى مَعَكَ تَتَخَفَّ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَمْ نُمْكِنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجْبَى إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِزْقًا مِنْ لَدُنَّا وَ لَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ». (القصص، ۵۷)، یعنی: و گفتند: «اگر با تو از [نور] هدایت پیروی کنیم، از سرزمین خود ربوده خواهیم شد.» آیا آنان را در حرمی امن جای ندادیم که محصولات هر چیزی - که رزقی از جانب ماست - به سوی آن سرازیر می‌شود؟ ولی بیشترشان نمی‌دانند.

بررسی معنای اجتناب در قرآن ۱۴۵


۱۰- «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ». (الشوری، ۱۳)، یعنی: از [احکام] دین، آنچه را که به نوح در باره آن سفارش کرد، برای شما تشریح کرد و آنچه را به تو وحی کردیم و آنچه را که در باره آن به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش نمودیم که: «دین را برپا دارید و در آن تفرقه‌اندازی نکنید» بر مشرکان آنچه که ایشان را به سوی آن فرا می‌خوانی، گران می‌آید. خدا برای هر کس که بخواهد، راه‌های خوبی از رشد و ترقی به سوی خودش را باز می‌کند، و هر که را که از در توبه درآید، به سوی خود راه می‌نماید.

۱۱- «فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ إِذْ نَادَى وَهُوَ مَكْظُومٌ * لَوْلَا أَنْ تَدَارَكَهُ نِعْمَةٌ مِنْ رَبِّهِ لَنُبِذَ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ مَذْمُومٌ * فَاجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحِينَ». (القلم، ۵۰)، یعنی: پس در [امتنال] حکم پروردگارت شکیبایی ورز، و مانند همدم ماهی [=یونس] مباش، آنگاه که اندوه زده ندا درداد. اگر لطفی از جانب پروردگارش تدارک [حال] او نمی‌کرد، قطعاً نکوهش شده بر زمین خشک انداخته می‌شد. پس پروردگارش راه‌های خوبی برای رشد و ترقی در کمالات را به روی او باز نموده و از صالحینش گردانید.

۸- سیر مجتوبین در طول زمان

اینک میتوان هریک از آیات را بنا به اینکه بر کدام رسول فرود آمده است را روی محور زمان مرتب کنیم. و به این ترتیب خواهیم داشت:

هیوط آدم ع نوح ع ابراهیم ع موسی ع عیسی ع بعثت رسول ص ظهور نفع صور قیامت



آدم، نوح، ابراهیم، لوط، اسماعیل، اسحاق، یعقوب، یوسف، موسی، هارون، داوود، سلیمان،

ایوب، یونس، الیاس، یسع، زکریا، یحیی، عیسی، محمدص

با این چینش می‌توان سیر مجتوبین را در محور زمان نشان دهد.

درجات معنای «إجتباء»

برای پیدا کردن مراتب این واژه در درجات شأن ابتدا برای هر یک از آیات إجتباء «عنوان» قرار می‌دهیم. آنگاه آیات را بر اساس «شمولیت و شأن» به ترتیب زیر مرتب می‌نمائیم با این کار می‌توان معانی کاربردی در آیات را از افضل به اسفل نشان داد. به این ترتیب که، در هر طبقه از جدول، مراتب براساس ارزش عنوان مربوط به آیه، درجه‌بندی شده است.

مثلاً مرتبه إجتباء اولوالعزم من الرسل از سایر انبیاء بالاتر است برای همین در صدر جدول قرار داده شده است. راغب معتقد است: «همین منازل و مقاماتی که به برکت این فیض الاهی به انبیای مقررین درگاه الاهی داده شده، به ائمه اطهار(ع) نیز - با حفظ مراتب - اعطا شده است». (همو: ۷۹)

رتبه ۱۰ به نسبت ۹ به لحاظ موضع «إجتباء» بالاتر است چرا که جایگاه غیب از هدایت به صراط‌المستقیم بالاتر است و تأویل الاحادیث به نسبت هدایت به صراط، جزئی‌تر است و در مرتبه پایین‌تر قرار می‌گیرد. این کار مانند این است که اعداد از یک تا بیست را که به صورت درهم است، مرتب نمایم و یا مانند این است که مثلاً اسامی شهرهای زیارتی را بر اساس شأن مرتب نماییم. چه بسا نیاز باشد گاهی بر اساس میزان زائرین مرتبشان کنیم.

این روش رتبه‌بندی برای فهم برخی از واژه‌های قرآنی بسیار کارآمد است. یکی از فواید این کار اشراف نسبت به واژه مورد نظر است. بحث «درجات معنای واژه»، برای فهم معنا و مفهوم واژه‌ها از جمله «وحي»^۱ بسیار کارآمد است و باعث می‌شود دید بهتری نسبت به کاربرد لغت در قرآن کریم داشته باشیم.

۱ - در همین زمینه تحقیقی مفصلی انجام شده است که محصول آن در مقاله‌ای با عنوان [نقدی بر نظریه «وجوه معنا» از منظر «زبان‌شناسی» و طرح روش «درجات معنا» در قرآن] در دست چاپ است. (عرب زاده، الهه؛ خداشناس فیروزآبادی، ندا، ۱۳۸۹)

جدول شماره ۳: درجات معنای اجتناب در قرآن

ردیف	عنوان	آیه
۱۱	اجتناب اولوالعزم من الرسل برای شریعت و منهاج	شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ (شوری، ۱۱۳)
۱۰	اجتناب رسولان ع برای اطلاع از غیب	مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَجْتَبِي مِنْ رُسُلِهِ مَنْ يَشَاءُ فَأَمِينُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ (آل عمران، ۱۷۹)
۹	اجتناب رسولان ع برای هدایت به صراط المستقیم	وَمِنْ آيَاتِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَإِخْوَانِهِمْ وَاجْتِنِبْهُمْ وَهُدْيَانَهُمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (انعام، ۸۸) ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَلَوْ أَشْرَكُوا لَحَبِطَ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (انعام، ۸۷)
		شاکراً لِأَنْعِمِهِ اجْتِنَابُهُ وَهُدَاؤُهُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (نحل، ۱۲۱)
۸	اجتناب یوسف ع برای تعلیم تأویل الاحادیث	وَكَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْآيَاتِ وَيُنَبِّئُكَ بِعَمَّتِهِ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ آلِ يَعْقُوبَ كَمَا أَتَمَّهَا عَلَىٰ أَبَوَيْكَ مِنْ قَبْلِ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْحَاقَ إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (یوسف، ۶)
۷	اجتناب آدم ع برای توبه و هدایت	ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَىٰ
۶	اجتناب یونس ع برای صالح شدن	فَاجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحِينَ (قلم، ۵۰)
۵	ابتدا هدایت و بعد اجتناب	أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مِثْلَ نُوحٍ وَمِنْ ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا (مریم، ۵۸)
۴	اجتناب بسوی الله، برای هر کسی که خداوند بخواد	شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ (شوری، ۱۱۳)
۳	اجتناب مسلمانان برای دین داری	وَ جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِثْلَ آيَاتِكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلِ ... (حج، ۷۸)
۲	اجتناب انواع محصولات به سوی مکه	وَ قَالُوا إِنَّ تَتَّبِعُ الْهُدَىٰ مَعَكَ تَتَخَفَتُ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَمْ نَمُكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجْنِي إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِزْقًا مِنْ لَدُنَّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (قصص، ۵۷)
۱	مردم درخواست اجتناب آیات توسط رسول الله ص را دارند	وَ إِذَا لَمْ تَأْتِهِمْ بِآيَةٍ قَالُوا لَوْ لَا اجْتَبَيْتَهَا قُلْ إِنَّمَا أَتَّبِعُ مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ مِنْ رَبِّي هَذَا بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (اعراف، ۲۰۳)

۱-۱- دیگر مجتوبین

به جز آدم (ع) (طه، ۱۲۲) و دیگر پیامبران و اولوالعزم من الرسل که در آیات معرفی شده‌اند، برخی دیگر از انسانها نیز می‌توانند مشمول اجتناب شوند. چنانکه می‌فرماید: هر کسی را که خدا بخواهد مجتبی می‌کند.

«إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ». (الشوری، ۱۳)

«ما كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَجْتَبِي مَنْ رُسُلِهِ مَنْ يَشَاءُ». (آل عمران، ۱۷۹)

به جز برخی از انبیاء خداوند کثیری از رسولان ع [و پدران و ذریه و برادران ایشان] را جزو مجتوبین معرفی می‌کند، در سوره مبارک انعام آیات ۸۳ - ۸۸ نام رسولان و پدران و ذریه و برادرانشان: را نام می‌برد.

«وَمِنَ آبَائِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَإِخْوَانِهِمْ وَاجْتَبَيْنَاهُمْ وَهَدَيْنَاهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ». (الانعام، ۸۷)

و از پدران و فرزندان و برادرانشان برخی را [بر جهانیان برتری دادیم]، و ما راه‌های خوبی برای رشد و ترقی در کمالات را به سوی آنان باز کرده و به راه راست راهنمایی کردیم. برخی از مصادیق هدایت و مجتبی شدگان که خداوند در آیات قبل ذکر کرده عبارتند از: زکریا، یحیی، مریم، عیسی، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، موسی، هارون، اسماعیل صادق الوعد، ادریس: پس می‌توان گفت علاوه بر انبیاء:، دیگران نیز مجتبی می‌شوند و راه اجتناب به رویشان باز است.

حسینی تهرانی می‌نویسد: «اجتناب در این کریمه اختصاص به افرادی معین ندارد گرچه خداوند بعد از ذکر نوح و ابراهیم و شانزده تن دیگر از انبیاء: و پس از ذکر پدران و ذریه آنها و برادران آنها می‌فرماید که ما آنها را اجتناب نمودیم، لکن معلومست که مراد از برادران همان برادران روحی و اخلاقی است که در معارف الهیه با آنها هم ردیف و هم سلک هستند. بنابراین از آیه، اطلاق بلکه عموم استفاده می‌شود». (همو، ۸۷)

اهلبیت ۷ نیز در زمرة مجتوبین بلکه در رأس ایشان قرار دارند: «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ بَرِيدِ الْعَجَلِيِّ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَ قَوْلِ اللَّهِ

بررسی معنای اجتناب در قرآن / ۱۴۹

تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا قَالَ نَحْنُ الْأُمَّةُ الْوَسْطُ وَنَحْنُ شُهَدَاءُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى خَلْقِهِ وَحُجَّتُهُ فِي أَرْضِهِ قُلْتُ قَوْلُهُ تَعَالَى يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ وَ جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ قَالَ إِيَّانَا عَنَى وَنَحْنُ الْمُجْتَبِيُّونَ...».

(اکلینی، ۱۹۱/۱)

گفتنی است شاخص رفتاری مجتوبین در سوره مریم آیه ۵۸ چنین آمده است: «أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِن ذُرِّيَةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِن ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرَوْا سُجَّدًا وَبُكِيًّا» (مریم، ۵۸)، یعنی: آنان کسانی از پیامبران بودند که خداوند بر ایشان نعمت ارزانی داشت: از فرزندان آدم بودند و از کسانی که همراه نوح [بر کشتی] سوار کردیم؛ و از فرزندان ابراهیم و اسرائیل و از کسانی که [آنان را] هدایت نمودیم و راه‌های خوبی برای رشد و ترقی در کمالات را به روی آنها باز نمودیم؛ [و] هر گاه آیات [خدای] رحمان بر ایشان خوانده می‌شد، سجده‌کنان و گریان به خاک می‌افتادند.

نکته قابل ذکر آنکه، خداوند می‌تواند تمام مسلمانان رامشمول اجتناب نماید اگر بخواهد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ». (الحج، ۷۷) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، رکوع و سجود کنید و پروردگارتان را بپرستید و کار خوب انجام دهید، باشد که رستگار شوید. خطاب این آیه الذین آمنوا است و در ادامه می‌فرماید: «وَ جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَ مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِّلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِن قَبْلُ وَ فِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَ تَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ اغْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَ نِعْمَ النَّصِيرُ». (الحج، ۷۸) و خداوند ایمان به رسولانی ع که مشمول اجتناب شده‌اند را بر ما لازم می‌داند: «...وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَجْتَبِي مِن رُّسُلِهِ مَن يَشَاءُ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ وَ إِن تَوَّابُونَ وَ تَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ». (آل عمران، ۱۷۹)

۹- ثمرات اجتناب

مجتبی فرایندی است که خداوند در طی آن، راهی از غیب به سوی شخص باز کند تا توفیق راهیابی در مسیر خواست خداوند و سیر در درجات فضل برایش حاصل شود. در لسان قرآن این توفیقات به‌سوی محورهای زیر توصیف شده‌است: توبه و هدایت (طه، ۱۲۲، الانعام، ۸۷)، اطلاع از غیب (آل عمران، ۱۷۹)، صالح شدن (القلم، ۵۰)، تأویل الاحادیث (یوسف، ۶). در یکی از آیات نیز هدایت مقدمه اجتناب معرفی شده است. (مریم، ۵۸)

از دیگر ثمرات اجتناب این است که رزقی از جانب خدا برایشان سرازیر می‌شود: «وَقَالُوا إِن تَتَّبِعِ الْهُدَى مَعَكَ تَتَّخِطُّ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجِيبِي إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِزْقًا مِنْ لَدُنَّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ». (القصاص، ۵۷)

و گفتند: «اگر با تو از [نور] هدایت پیروی کنیم، از سرزمین خود ربوده خواهیم شد.» آیا آنان را در حرمی امن جای ندادیم که محصولات هر چیزی - که رزقی از جانب ماست - به سوی آن سرازیر می‌شود؟ ولی بیشترشان نمی‌دانند.

۱۰- نتایج مقاله

«اجتناب» در قرآن به منزله قرار داده شدن بر مسیری است که خوبان عالم در آن قرار داده شده‌اند و به مراتب هدایت و صالحیت و نبوت و رسالت رسیده‌اند. از طرفی درجات پایین «اجتناب» برای «من یشاء» از بندگان جاری می‌شود. با این تعریف ترجمه فعلی «اجتناب» یعنی «برگزیدن و جمع‌آوری»، رسا نیست. در تنزیه معنای «اجتناب» نشان داده شد که هر یک از معانی یادشده با توجه به سیاق آیه نمی‌تواند ترجمه مناسبی برای آن باشد و اساساً نمی‌توان معنای یک واژه را بر گرده واژه‌های دیگر حمل نمود. بلکه می‌بایست معنای واژه را با توجه به آیات قرآن و بررسی احتمالات معنایی در هر آیه ترجمه نمود. به طوری که اولاً درخور شأن آیه باشد و ثانیاً در تمام آیات جوابی منطقی

بررسی معنای اجتناء در قرآن / ۱۵۱

داشته باشد. معنا مشترک «اجتناء» در اصطلاح قرآن یعنی «راه‌های خوبی را به روی کسی یا چیزی باز نمودن». برای انسانها به این معناست که خداوند همه شرایط را درست آنجا که به ظاهر همه چیز بن بست رسیده است، با قدرت برای شخص فراهم می‌نماید و مسیر رشد او را - گاه بوسیله توبه - در شاهراه صراط‌المستقیم و به سمت هدایت، صالحیت و برای برخی از گذشتگان بسوی نبوت و رسالت باز می‌کند. از ویژگیهای این روش معادل‌یابی برای معنای یک واژه در قرآن این است که اولاً می‌توان تمام آیات را با آن معنا نمود ثانیاً سیر حرکت واژه در زمان معلوم خواهد شد، ثالثاً درجات استعمال آن از افضل به اسفل به خوبی تبیین می‌شود.

کتابشناسی

- ۱- قرآن کریم، ترجمه فولادوند، محمد مهدی، حوزه علمیه، قم، اول ۱۳۷۸ هـ.ش.
- ۲- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۲۲ هـ.ق.
- ۳- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب (ع)، قم، مؤسسه انتشارات علامه، اول ۱۳۷۹ هـ.ش.
- ۴- ابن طاووس، فلاح السائل و نجاح المسائل، قم، بوستان کتاب، بی‌چا.
- ۵- ابن فارس، رازی ابوالحسین احمد، معجم مقاییس اللغة، بیروت، دارالکتب العلمیه، اول ۱۴۲۰ هـ.ق.
- ۶- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، اول ۱۹۹۷ م.
- ۷- الأربلی، أبو الحسن علی بن عیسی، کشف الغمة فی معرفة الائمة (ع)، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۵ هـ.ق.
- ۸- آلوسی، محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع الثانی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ هـ.ق.
- ۹- بحرانی، سید هاشم، غایة المرام و حجة الخصام، بیروت، التاریخ العربی، الاولى ۱۴۲۲ هـ.ق.
- ۱۰- البُرسی، حافظ الرجب، مشارق انوار الیقین فی اسرار امیرالمؤمنین (ع)، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، یازدهم ۱۴۱۲ هـ.ق.

۱۵۲ پژوهش‌نامه قرآن و حدیث - شماره نهم (پاییز و زمستان ۱۳۹۰)

- ۱۱- جفری، آرتور، واژه‌های دخیل در قرآن، ترجمه فریدون بدره‌ای، انتشارات توس، چاپ اول، ۱۳۷۲ ه.ش.
- ۱۲- جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی، قم، اسراء، دوم ۱۳۷۹ ه.ش.
- ۱۳- الجواهری، جواهر الکلام، تحقیق و تعلیق: الشیخ عباس القوچانی، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۳۶۵ ه.ش.
- ۱۴- حسینی استرآبادی، شرف‌الدین علی، تأویل الآیات الظاهرة، قم، مؤسسه نشر اسلامی، دوم ۱۴۰۹ ه.ق.
- ۱۵- حسینی تهرانی، محمد حسین، رساله لب اللباب فی سیر و سلوک اولی الالباب انتشارات حکمت بی‌چا.
- ۱۶- حلی، ابن بطریق، العمدة، قم، مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۷ ه.ق.
- ۱۷- خداشناس فیروزآبادی، ندا، توسعه معنای کلمات در گذر زمان، صحیفه مبین، تهران، مرکز پژوهشگاه و فعالیت قرآن و عترت، ۱۳۸۵ ه.ش.
- ۱۸- خراسانی، علم الهدی، نهج الخطابة، تهران، کتابخانه صدر، دوم ۱۳۷۴ ه.ش.
- ۱۹- رازی، ابوالفتوح، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ ه.ق.
- ۲۰- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دار المعرفة، چاپ سوم ۱۴۲۲ ه.ق.
- ۲۱- الزبیدی، تاج العروس، بیروت، منشورات دار المكتبة الحیة، بی‌تا.
- ۲۲- زرکشی، محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم قرآن، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، لبنان، دار المعرفة، الثاني، بی‌تا.
- ۲۳- زریاب، عباس، سیرة رسول الله (ص) از آغاز تا هجرت، تهران، انتشارات سروش، چاپ دوم، ۱۳۷۶ ه.ش.
- ۲۴- زید بن علی بن حسین (ع)، غریب القرآن، به تصحیح محمد جواد الحسینی الجلالی، قم، مطبعة مكتب الإعلام الاسلامی، الثانية ۱۴۱۸ ه.ق.
- ۲۵- صدوق، محمد، علل الشرایع، قم، مؤمنین، اول ۱۳۸۰ ه.ش.
- ۲۶- همو، الخصال، قم، انتشارات جامعه مدرسین، دوم ۱۴۱۳ ه.ق.

بررسی معنای اجتناب در قرآن ۱۵۳

- ۲۷- همو، الأمالی، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ هـ.ق.
- ۲۸- همو، معانی اخبار، قم، موسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۱ هـ.ش.
- ۲۹- همو، عیون الاخبار الرضا(ع)، انتشارات جهان، بی چا ۱۳۷۸ هـ.ش.
- ۳۰- طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسة النشر الإسلامی، قم، ۱۴۱۷ هـ.ق.
- ۳۱- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ هـ.ش.
- ۳۲- طوسی، محمد بن حسن، تفسیر التبیان، تحقیق احمد حبیب قصیر العاملی، مکتبه الامین، نجف الاشرف.
- ۳۳- عرب زاده، الهه، خدائشناس فیروزآبادی، ندا، روش شناسی تفسیر المیزان با رویکرد «تنزیه معنا» و آثار آن در سوره نجم، پژوهش نامه قرآن و حدیث، تهران ۱۳۸۹ هـ.ش.
- ۳۴- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، نورالثقلین، مؤسسه اسماعیلیان، قم، چهارم ۱۴۱۵ هـ.ق.
- ۳۵- عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران، چاپخانه علمی، ۱۳۸۰ هـ.ش.
- ۳۶- فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر صافی، تهران، انتشارات الصدر، ۱۴۱۵ هـ.ق.
- ۳۷- قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، قاهره، دارالکتب المصریة، الطبعة الثالثة، ۱۳۸۷ هـ.ش./۱۹۶۷ م.
- ۳۸- کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات کوفی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ هـ.ق.
- ۳۹- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، بی تا ۱۴۰۴ هـ.ق.
- ۴۰- منسوب به امام حسن عسگری ع، تفسیر امام حسن عسگری، قم، مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۷ هـ.ق.
- ۴۱- نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبة، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۹۷ هـ.ق.